■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۸ | ۱۵ شوال ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۱۰ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Wednesday - 2019 June 19

حدیث روز: میزان‌الحکمه

امام کاظم(ع): کسی که مشورت کند، اگر کارش را درست انجام دهد، مردم او را بستایند و اگر به خطا رود، معذورش دارند.

پلک احساس: حافظ

عاشقی روی جوانی خوش نوخاسته‌ام
وز خدا دولت این غم به دعا خواسته‌ام

امروز در تاریخ:

- خلع ید غارتگران انگلیسی از صنعت نفت ایران (روز خلع ید)/ تولد رضا کیانیان، بازیگر (۱۳۳۰ش)
- دولت لیبی اداره کردن صنعت نفت لیبی را به ایران سپرد (۱۳۴۴ ش)
- درگذشت دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶)
- آزمایش پرواز اولین بالگرد جهان (۱۸۷۷م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۶ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۳
اذان مغرب: ۲۰/۴۴ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۲
اذان صبح (فردا): ۴/۰۲ | طلوع خورشید (فردا): ۵/۴۸

پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه

تهران	ایلام	اهواز	ارومیه	بوشهر	بیرجند	کرمانشاه	گرگان
۳۶ / ۲۶	۳۳ / ۱۶	۴۶ / ۲۹	۳۰ / ۱۵	۳۶ / ۲۸	۳۵ / ۱۹	۲۹ / ۱۳	۳۵ / ۲۱

حکمت ۷۵: نهج‌البلاغه

هر چیز که شمردنی است، پایان می پذیرد و هرچه را انتظار می‌کشیدی، خواهد رسید.

خودنویس

موحد عاشق

ملیحه صدر
دختر امام‌موسی‌صدر

وقتی به یاد دکتر مصطفی چمران می‌افتم
بی‌اختیار به یاد شمع و شعر و پروانه و سوز عشق می‌افتم
نه هر عشقی
عشقی که مقاومت و ایستادن مقابل ظلم و ستم را می‌آموزد
عشق سوختن برای هدف‌های بزرگ
عشقی که از ایمان به خداوند و راه اهل‌بیت سرچشمه می‌گیرد
عشقی که دنیای آراسته را می‌فروشد و عالم فقر و جنگ را می‌خرد
عشقی که چمران را از زندگی مستقر به جای ناآرام می‌کشاند
عشقی که او را در خدمت اشك محرومان جنوب لبنان و ستم دیدگان آورد
عشقی که به تعبیر خود چمران در کنار امام محرومان پیدا کرد
عشقی که مقاومت در برابر ظلم را می‌آموزد
عشقی که پر از قدرت است
عشق علی علیه‌السلام
دکتر چمران تمام خلقت را زیبا می‌دید
حتی موشی که اتاق کوچکش را خراب می‌کرد.
روح لطیفش در مقابل خشن‌ترین دشمن‌ها ایستاد
دقیقاً «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» را در چمران احساس می‌کنم
او با مظلومان گریه کرد و در جبهه بدون ترس جنگید
با همان دستی که شعر می‌نوشت، دقایقی بعد اسلحه سنگین می‌گرفت و در سخت‌ترین تپه‌ها می‌جنگید
در میان دود خمپاره‌ها عکس گل و قطره آب می‌گرفت
عجیب است؟
مگر علی علیه السلام مظهر نیرو و قدرت، شب‌ها به بینوایان و ایتام رسیدگی نمی‌کرد؟
مگر علی علیه السلام سر در چاه فرو نمی‌برد و گریه نمی‌کرد؟
پس چرا تعجب؟
دکتر چمران راه خود را پیدا کرد
برایش حرف مردم و دنیا مهم نبود
انتخاب او خدا بود و بس، خدا و دیگر هیچ
دقیقاً همان گونه که امام صدر، امام علی علیه‌السلام را توصیف کرد
او موحد بود و بس ...

خشن‌ترین فوتبال جهان

روز یکشنبه مسابقه فوتبالی عجیب و غریب در فلورانس ایتالیا برگزار شد که در آن بازیکنان با مشت به جان هم افتادند و خبری هم از VAR نبود!

به گزارش فرارو، این مسابقه قدمتی ۴۵۰ ساله دارد و بازیکنان نیمه‌عریان در آن برای گرفتن توپ با مشت، آرنج و هنرهای رزمی به جان رقیب می‌افتند. این رویداد کالچو فیورنتینو نام داشته و هر تیم ۲۷ بازیکن و در یك زمین بزرگ و ماسه‌ای که داور نیز دارد به مدت ۵۰ دقیقه بازی می‌کنند. شهر فلورانس مهد کالچو فیورنتینو است و این ورزش در سال ۱۵۸۰ توسط جیووانی دی‌باردی پایه‌گذاری شد.

داشتن نیروی بدنی خیلی بالا و قدرت تحمل برخوردهای شدید از شرایط ویژه بازیکنان این ورزش است و آنان هرکاری می‌توانند انجام دهند تا توپ را به داخل سبدی در زمین حریف بیندازند. قطر این سبد به اندازه قطر توپ است.

گفت‌وگو با آرش نورآقایی درباره دورهمی در طبیعت

کافه میرداماد

یک واحد آرامش

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

قدیم‌ترها و زمانی که هنوز موضوع فارسی را پاس بداریم، خیلی جدی نشده بود، واژه‌ای دوست‌داشتنی و پرانرژی رایج بود به نام «پیک‌نیک». مردم وقتی می‌خواستند برای گردش از خانه بیرون بروند و ساعاتی را در کنار طبیعت سپری کنند، می‌گفتند، می‌رویم پیک نیک! یک جورایی کلمه‌ای شیک بود که حس خوبی هم به آدم می‌داد. بعدها اجاق گازهای کوچک و قابل حمل هم به بازار آمد به نام گاز پیک‌نیک که در بیشتر خانه‌ها یافت می‌شد و البته در کشور ما این گاز قابل حمل قابلیت‌های دیگر هم پیدا کرد و شد عصای دست مادرها وقتی می‌خواستند غذا بپزند و حوصله ایستادن کنار اجاق گاز را نداشتند. حالا بماند که این گازهای پیک‌نیک چقدر هم خسارت به بار می‌آورد و باعث جراحت و خرابی هم می‌شد، چون باز هم مردم کشور ما در حرکتی جسورانه گازهای پیک نیک را یا در خانه پر می‌کردند یا در مغازه‌های غیر استاندارد. به‌هرحال خدا را شکر که از آن مرحله عبور کردیم!

برگردیم به واژه دوست‌داشتنی پیک نیک که اگر بخواهیم مترادف فارسی برای آن بنویسیم، بهترینش می‌شود: دورهمی در طبیعت. این اتفاق آن‌قدر خوب و لذت بخش است که روزی را به‌نام آن ثبت کرده‌اند و دیروز روز جهانی پیک نیک بود. البته روز جهانی مبارزه با ترس‌های ناگهانی هم بود که ریشه در استرس دارد. استرسی که این روزها به‌شدت فراگیر شده و باعث دلهره و ترس‌های حتی بی‌دلیل می‌شود. همزمانی این دو نام‌گذاری شاید به این دلیل است که انسان امروزی فراموش کرده، پناه بردن به طبیعت می‌تواند بهترین درمان برای استرس و ترس‌های بیهوده و ناگهانی باشد.

آموزش با نصیحت فرق دارد

با آرش نورآقایی که دوستدار طبیعت و سفر است هم‌صحبت شدم تا هم درباره روز جهانی پیک نیک و دورهمی در طبیعت با او صحبت کنم و هم این که از او بپرسم چگونه می‌توان در کنار طبیعت بود بدون این که آسیبی به آن وارد کرد. اتفاقی که این روزها خیلی زیاد شده است و تقریبا طبیعت ایران از آدم‌ها ترسیده شده است.

نورآقایی بر این باور است ما برای در کنار طبیعت بودن و استفاده از آن در جهت حال خوب و در عین حال آسیب نزدن به طبیعت نیاز به آموزش داریم. آموزش با نصیحت کردن فرق دارد. آموزش یعنی با تحلیل راهکار نشان دادن و دیگران را تشویق به یک عمل خوب کردن. این فرق دارد با این که مثلا در شبکه‌های اجتماعی به مردم بگویی این کار را بکن این کار را نکن! هشتگ راه انداختن و این بکن، نکن‌ها و تاثیری که ندارد بلکه نشان می‌دهد آنها که خودشان وارد این ماجرا می‌شوند اطلاعات جامع و کاملی از رویدادی که در ظاهر از آن دفاع می‌کنند، ندارند.

شلوغ‌بازی در شبکه‌های اجتماعی

با نگاهی به تاریخ ایران، حتی با مرور نقاشی‌ها و نگارگری‌ها و ... می‌توان به این نتیجه رسید که مردم ایران از قدیم اهل گردش و تفریح در طبیعت و پیک‌نیک بوده‌اند. الان هم همان رسم دیرینه را به شکل دیگری برگزار می‌کنند. به همین دلیل است که تعطیلات آخر هفته تعداد زیادی راهی جاده شمال می‌شوند یا در طبیعت اطراف شهرها اطراق می‌کنند. فرقی که الان با قدیم دارد این است که اکنون مردم شاید بدون این که آگاه باشند به طبیعت آسیب می‌زنند. انگار باورشان نشده که اگر از طبیعت مراقبت نشود، نابود خواهد شد. واقعیت این است ما روش درست استفاده از طبیعت را به مردم آموزش نمی‌دهیم، نه رسانه‌های ما کار طولانی مدت و کاربردی در این باره انجام می‌دهند و نه به ظاهر فعالان دوستدار محیط زیست. در شبکه‌های اجتماعی سر و صدا برای حفظ محیط زیست زیاد است اما راستش را بخواهید آنها که از روی ناآگاهی طبیعت را تخریب می‌کنند اصلا از این بخش شبکه‌های اجتماعی استفاده‌ای نمی‌کنند و اصلا آن مطالب و هشتگ‌ها را نمی‌خوانند، برای همین است که سال‌هاست داریم شعار حفظ محیط زیست می‌دهیم اما کمتر اتفاق خوبی در این زمینه افتاده است.

نورآقایی: پیک‌نیک، نوعی دورهمی خانوادگی و فامیلی است که در طبیعت برگزار می‌شود. بیشتر نشستن و گفتن و شنیدن و غذا خوردن و شاد بودن است اما نه زیر یک سقف

دوری از ازدحام استرس‌زا

نورآقایی درباره تاثیر همجواری با طبیعت حتی اگر شده برای یک روز یا چند ساعت می‌گوید: انسان ذاتا از شلوغی و تنش فراری است. این روزها و در دنیای صنعتی که ما در آن زندگی می‌کنیم درگیر ترس‌های زیادی هستیم که یکی از آنها ترس گیر افتادن در ازدحام و شلوغی است. ترافیک‌های پرحجم، ازدحام جمعیت در انسان استرس زیادی ایجاد کرده و به نوعی طراوت زندگی را از ما می‌گیرد. برای همین است که باید هر از گاهی از این شلوغی و انباشتگی آدم و ماشین به جایی خلوت و طبیعت پناه ببریم تا روان و جسممان از تنش دور شود. آرامش بهترین هدیه‌ای است که دوری از شلوغی شهر به ما می‌دهد. اما گردش در طبیعت باید آموزش داده شود. باید با تحلیل یاد بگیریم مثلا برای استفاده از فضای دشت یا کناره‌های یک تپه یا رودخانه نباید تا مقصد نهایی با خودرو برویم. به گردش آمده‌ایم تا کمی پیاده‌روی کنیم پس باید آن را پارک کرده و پیاده مسافتی را طی کنیم. اگر قرار است برای تفریح طناب را به درخت آویزان کنیم، جست‌وجو کرده درخت و شاخه‌های مناسبی پیدا کنیم چون هر درختی برای این کار مناسب نیست. اگر قرار است آتش روشن کنیم، بدانیم از شاخه‌های افتاده روی زمین استفاده کنیم، بدانیم کجا آتش روشن کنیم و بعد از اتمام کار آتش را خاموش کنیم و بسیاری از نکات دیگر را باید رعایت کنیم تا از گردشمان لذت ببریم و طبیعت هم حالش بد نشود.

از نورآقایی درباره تفاوت پیک‌نیک با طبیعت گردی می‌پرسم، می‌گوید: پیک‌نیک، نوعی دورهمی خانوادگی و فامیلی است که در طبیعت برگزار می‌شود. بیشتر نشستن و گفتن و شنیدن و غذا خوردن و شاد بودن است اما نه زیر یک سقف. نفس پیک‌نیک در همین گروهی بودن است. معمولا یک نفری نمی‌شود به پیک‌نیک رفت. اما طبیعت‌گردی وابسته به حرکت است، راه رفتن و از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر رسیدن. طبیعت‌گردی را انفرادی هم می‌توان انجام داد و وابسته به خورد و خوراک و تفریح نیست. اما هم پیک نیک و گردش در طبیعت و هم طبیعت‌گردی، راهی بسیار مفید برای دور شدن از استرس و داشتن حال خوب است. اما قبل از همه اینها باید آگاهی و دانش خودمان را نسبت به همه چیز بالا ببریم. وقتی دانشمان درباره موضوعات مختلف افزایش پیدا کند، بهتر و درست‌تر می‌توانیم زندگی کنیم و از داشته‌هایمان لذت ببریم.

وزیری که گربه شد!

فعال‌شدن تصادفی یك نرم‌افزار در پخش زنده کنفرانس خبری شوکت علی یوسف‌زی، وزیر اطلاع‌رسانی دولت ایالتی پاکستان جنجال‌برانگیز شد. به گزارش فرارو، شوکت علی یوسف‌زی در حال پاسخ دادن به سؤالات خبرنگاران بود و این جلسه از صفحه فیس‌بوك حزب تحریك انصاف به شکل زنده پخش می‌شد که ناگهان به طور تصادفی تنظیمات دوربین تلفن همراه تغییر کرد و فیلتر چهره گربه به کار افتاد. با فعال شدن فیلتر گربه، گوش‌های صورتی و سبیل گربه‌ای روی چهره یوسف‌زی قرار گرفت که اسباب خنده و مسخره مخاطبان شد.

خوابیدن در ارتفاع

طبیعت‌گردان و کوهنوردان برای آماده کردن یك جای خواب راحت و امن معمولا با مشکلات زیادی مواجه هستند، اما یك تختخواب بادی ایمن به آنها امکان می‌دهد در ارتفاعی زیاد از زمین با آسودگی به خواب بروند. به گزارش فارس، این تختخواب بادی را که G7 Pod نام دارد، می‌توان با تجهیزات کوهنوردی به صخره یا سنگ‌های کوه متصل کرد و پس از آویزان کردن طناب‌های آن به راحتی و بدون نگرانی از پرت شدن به استراحت پرداخت. تختخواب بادی سبك مذکور که توسط شرکت کانادایی Grade VII تولید شده، به همراه تجهیزات جانبی بین شش تا ده کیلوگرم وزن دارد و می‌توان آن را به صورت تکنفره یا دونفره به کار برد. مدل دو نفره این تختخواب بادی را می‌توان در کنار هم قرار داد یا کاری کرد که یکی در ارتفاعی بالاتر از دیگری قرار بگیرد.

عکس: فارس

بچه‌های چشمه‌علی شهرری می‌دانند چه «تابستانی» است

مقطع حساس کنونی

حکایت ضدحال ولی پندآموز حکیم واریانس

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

حکیم واریانس، رئیس انجمن حکمت، تصمیم گرفت برای خلوت‌گزینی به بیابان‌های بیرون شهر برود. دستیار وی، دکتر طراوت‌منش که همواره به حکیم آویزان بود و کیف حکیم را با خود حمل می‌کرد، گفت: ای حکیم، مرا نیز با خودت ببر. حکیم گفت: اولا که من کیف با خود نمی‌برم. ثانیا تو شخصی ساده هستی و شاید برایت بدآموزی داشته باشد. طراوت‌منش گفت: ای حکیم، من در زیست شبانه شما همراه بودم، بیابان‌گردی که چیزی نیست. حکیم گفت: اگر قول بدهی هرچه من می‌گویم بگویی چشم و فضولی هم نکنی تو را با خود می‌برم.

طراوت‌منش گفت چشم و به راه افتادند. در بیابان رفتند تا هنگام غروب به خانه‌ای محقر رسیدند که زنی با پسر جوانش در آن زندگی می‌کرد و از دار دنیا تنها یك بز داشتند و شب را نزد آنها ماندند. فردا صبح وقتی خداحافظی کردند تا به راه خود ادامه دهند، طراوت‌منش گفت: ای حکیم، اینها خیلی بیچاره بودند، آیا نمی‌توانیم برایشان کاری بکنیم؟ حکیم گفت: قرار نبود فضولی نکنی؟ اگر می‌خواهی برایشان کاری بکنی برو و بزشان را بکش. طراوت‌منش گفت: وا. اینها از دار دنیا یك دانه بز داشتند، آن را هم بکشم؟ حکیم گفت: قرار نبود بگویی چشم؟ طراوت‌منش گفت چشم و رفت و یواشکی بز را کشت و به نزد حکیم بازگشت. وقتی به شهر بازگشتند، طراوت‌منش از شدت عذاب وجدان ماجرای بز را برای هیات امنای انجمن تعریف کرد. هیات امنا نیز حکیم را از ریاست انجمن برکنار کردند و طراوت‌منش را به ریاست انجمن منصوب کردند. واریانس نیز چندی بعد از شدت غصه دق کرد و مرد.

یك سال بعد پیرزنی ثروتمند به انجمن حکمت آمد تا در راه ارتقا و تعالی فرهنگی به انجمن کمك کند. طراوت‌منش وقتی پیرزن را دید به او گفت: چهره شما چقدر آشناست. شما که هستید؟ پیرزن گفت: من پیرزنی فقیر بودم که از دار دنیا یك بز داشتم. تا این‌که روزی بز مرد و ما ناچار شدیم به دنبال راه‌های تازه‌ای برای امرار معاش بگردیم. پسرم تکه‌زمینی پیدا کرد و هنگام شخم زدن گنجی پیدا کرد و ما این‌طور شدیم.

در این هنگام طراوت‌منش که تازه متوجه قضاوت زودهنگام خود درباره حکیم واریانس و از سوی دیگر تیزبینی و دوراندیشی و حکمت عالی واریانس شده بود خیلی ناراحت شد، ولی چون کاری بود که شده بود و کار خاصی از دست او برنمی‌آمد، تصمیم گرفت اولا دیگر با کسی به خلوت‌گزینی نرود و ثانیا قضاوت زودهنگام نکند و کلا هم در جاهایی که باید خاموش باشد، خاموش باشد.

پیتون تمساح‌خور

یك عکاس در کوئینزلند عکس‌های شگفت‌انگیز از بلعیدن یك تمساح توسط یك مار پیتون زیتونی گرفته است.

به گزارش فرارو، مارتین مولر که در حال قایقرانی در باتلاقی در کوئینزلند یکی از ایالت‌های بود، لحظات خورده شدن تمساح توسط مار پیتون غول‌پیکر را عکاسی کرده است. عکس‌های وی بازتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشته و خیلی‌ها را شوکه کرده است. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی این اتفاق را باورنکردنی می‌دانند و می‌گویند فکر می‌کردند که تمساح به راحتی می‌تواند پیتون را شکست دهد.